



اکران فیلم پرویز شهبازی از تیرماه

فیلم سینمایی «رکسانا» به کارگردانی پرویز شهبازی، پس از سه سال انتظار، از ۱۸ تیرماه ۱۴۰۴ در سینماهای کشور اکران خواهد شد. این فیلم که پیش‌تر قرار بود پاییز سال گذشته اکران شود، به‌دلیل برخی ممیزی‌ها از اکران بازماند، اما سرانجام بدون اصلاحات موفق به دریافت پروانه نمایش شد. فیلم «رکسانا» بهمن‌ماه سال گذشته در بخش ویژه جشنواره فجر به نمایش درآمد و حالا قرار است با پخش کنندگی «فیلمیران» روانه پرده سینماها شود. در این فیلم یسنا میرطهماسب، مهسا اکبرآبادی، مائده طهماسبی، بهرنگ علوی، زینلوفر کوخانی، زریتا سلطانی، رامبد مطیلی و زنده‌یاد شهرام عبدلی بازی کرده‌اند. شهبازی که پیش‌تر با فیلم «در بند»، «سیمرغ» بلورین بهترین کارگردانی را از سی‌ویکمین جشنواره فجر دریافت کرده بود، سابقه درخشانی در سینمای ایران دارد. او همچنین با فیلم‌های «مسافر جنوب» و «مالاریا» موفق به کسب جوایز بین‌المللی از جشنواره‌های توکیوو ورشو شده است.

پروانه نمایش

صدور پروانه نمایش برای شش فیلم

شورای بازبینی فیلم‌های سینمایی با صدور پروانه نمایش برای شش فیلم سینمایی جدید موافقت کرد. در میان این آثار، نام «پشت تپه‌کاران» به کارگردانی مسعود جعفری جوزانی به چشم می‌خورد؛ فیلمی که پروانه ساخت آن در پاییز ۱۳۹۸ صادر شده بود، اما با شیوع کرونا و طولانی‌شدن مراحل تولید، تنها در جشنواره فجر ۴۲ روزه‌ای شد و تاکنون فرصت اکران نیافته بود. حالا این فیلم بالاخره مجوز نمایش عمومی گرفته است. از دیگر آثار حاضر در این فهرست، «جزایر قناری» است که به تهیه‌کنندگی حسین مهکام و کارگردانی عادل معصومیان ساخته شده. همچنین فیلم آذری‌زیان «سونسوز» به کارگردانی رضا جمالی و تهیه‌کنندگی سلمان عباسی نیز موفق به دریافت پروانه نمایش شده است. سه فیلم دیگر شامل: «خدای جنگ» ساخته حسین دارابی و به تهیه‌کنندگی سازمان اوج، «دور» در میانه شرقی به کارگردانی آرش انیسی و انیمیشن «ژولیت و شاه» به کارگردانی اشکان رهگذر نیز مجوز نمایش گرفته‌اند.



تکذیب حضور تیلور سوئیفت در سرگذشت ندیمه

بازیگر اصلی سریال «سرگذشت ندیمه»، شایعه حضور تیلور سوئیفت در این مجموعه تلویزیونی را رد کرد. پس از پخش قسمت نهم فصل ششم این سریال، گمانه‌زنی‌هایی در شبکه‌های اجتماعی مطرح شده بود که تیلور سوئیفت، خواننده معروف و برنده جایزه گرمی به‌طور مخفیانه در سریال حضور یافته است. این شایعه از جایی آغاز شد که چهره یکی از شخصیت‌های ناشناس زن در یک صحنه دیده نمی‌شد و موسیقی متن قسمت، نسخه‌ای جدید از یکی از ترانه‌های سوئیفت بود. با این حال الیزابت ماس، بازیگر اصلی سریال، در مصاحبه‌ای این شایعات را رد کرد. ماس تأکید کرد که گرچه برخی عوامل سریال به کنسرت تورنتو سوئیفت رفته بودند، اما حضور او در سریال صرفاً یک شایعه جذاب بوده است. «سرگذشت ندیمه»، مجموعه‌ای تلویزیونی در ژانر ترازوی و پادآرمان‌شهری است که براساس رمان معروف «سرگذشت ندیمه»، اثر مارگارت اتوود، نویسنده کانادایی ساخته شده است.

تکس: کاوه کاظمی



گزارش دانشگاه

کار ایران تمام نشده است

گزارشی از نشست انقلاب فرهنگی، دانشگاه و سیاست و بررسی کتاب انقلاب سوم



فرزاد نعمتی

خبرنگار گروه فرهنگ

چهارشنبه یکم خردادماه ۱۴۰۴، خانه اندیشمندان علوم انسانی میزبان نشست بود در نقد و بررسی کتاب «انقلاب سوم؛ واکاوی رویداد انقلاب فرهنگی دانشگاه‌ها براساس گزارش روزنامه اطلاعات (بهمن‌ماه ۱۳۵۷ - بهمن‌ماه ۱۳۶۳)»، نوشته مریم پیمان و سیدعبدالامیر نبوی. این کتاب که حاصل مطالعه بیش از ۳۱ هزار صفحه از روزنامه اطلاعات است، مضامین مرتبط با انقلاب فرهنگی نظیر تیرباران، اعدام، زدوخور، اخراج، تعطیلی، دادگاه، بازگشایی و... را مورد توجه قرار داده و نویسندگان آن، این مضامین را در نهایت در هفت مضمون خلاصه کرده‌اند که عبارتند از: تبلور تغییر سیاسی، تبلور تغییر فرهنگی، پاکسازی، انقلاب همه‌جانبه، مشکل در سیستم دانشگاهی، ورود عناصر بیرونی به دانشگاه و مدیریت جدید سیستم دانشگاهی. در این نشست نصرالله پورجوادی از اعضای ستاد انقلاب فرهنگی و استاد فلسفه و عرفان اسلامی، مقصود فراسخواه جامعه‌شناس و استاد برنامه ریزی توسعه آموزش عالی، عباس کاظمی جامعه‌شناس و دانشیار مؤسسه مطالعات فرهنگی و اجتماعی و عطا حشمتی پژوهشگر تاریخ فلسفه و علم سخن گفتند.

▼ اسلام معنوی مهجور ماند



نصرالله پورجوادی

استاد عرفان و فلسفه اسلامی

در باره انقلاب فرهنگی لازم است نه یک کتاب که کتاب‌ها نوشته شود و شاید کسی هم یافت نشود که بتواند نظری جامع و شامل بدان ابراز دارد؛ حتی کسانی که درگیر آن حوادث بودند. من هم بنابراین دیدگاه خود را به عنوان کسی که از نزدیک درگیر آن مسائل بود، بیان می‌کنم. در زمان انقلاب ۵۷، صحبتی از «انقلاب فرهنگی» نبود و به‌ندرت کسانی از آن حرف می‌زدند. در آن فضا اصطلاح انقلاب فرهنگی بیشتر اتفاق‌های چین را تداعی می‌کرد. این بدین معنا نیست که انقلاب ۵۷ توجهی به مسائل فرهنگی نداشت. اصلاً انقلاب اسلامی یک پدیده فرهنگی بود. جنبه سیاسی قوی هم داشت، اما در عین حال حرکتی فرهنگی به‌شمار می‌آمد. نظیر هر انقلاب دیگری این انقلاب هم از سال‌ها پیش مقدماتی و تمهیداتی داشت که طی شده بود. انقلاب فرهنگی نیز مشمول همین امر است. بنابراین سوالاتی که باید بدان پاسخ داد این است که سابقه انقلاب فرهنگی چه بود؟

انقلاب فرهنگی دهه ۱۹۶۰

برای پاسخ به این پرسش می‌توان از نظر زمانی خیلی عقب رفت اما من به دهه ۱۳۴۰ بازمی‌گردم. در آن دهه اتفاق

مهمی در جهان رخ می‌دهد به‌خصوص در آمریکا و انگلیس. برخی اسم آن را انقلاب فرهنگی ۱۹۶۰ می‌گذارند و من در متن آن انقلاب حضور داشتم. آن انقلاب توجهی بود به معنویت، دین، ادیان شرقی و ادیان آسمانی. در همین دوران آمریکایی‌ها و اروپایی‌ها از جنگ جهانی دوم که مایه یأس غرب شده بود، بیرون آمده بودند. دلیل نومیدی این بود که آن خوش‌بینی‌های قرن نوزدهمی درباره نقش علوم جدید در برقراری صلح و پیشرفت، با دو جنگ جهانی مورد تردید قرار گرفته بود. به همین دلیل بعد از جنگ‌های جهانی، آرام‌آرام توجهی به ادیان شرقی شکل گرفت؛ به‌خصوص در دو سه شهر آمریکا و لندن، صحبت از ذن ژاپنی، هندوئیسم و تصوف بود. من اولین کتاب صوفیانه که خواندم، در همان دوران دانشجویی در آمریکا بود. در ایران اصلاً از این صحبت‌ها نبود. این التفات اما کم‌کم به ایران هم سرایت کرد و کسانی سخن از «سنت‌گرایی» و جوابگو نبودن فرهنگ غربی به میان آوردند. سیدحسین نصر، پرچمدار این امر بود. عده‌ای می‌گفتند، باید به خودمان بازگردیم. در این بازگشت به خود البته توجه فقط به دین نبود، برخی هم از بازگشت به سنت‌های ایرانی دفاع می‌کردند. احسان نراقی کتابی نوشته بود با نام «آنچه خود داشت». شایگان هم از «آسیا در برابر غرب» صحبت می‌کرد. اینها همه بازتاب همان حرکتی است که در دهه ۱۹۶۰ در آمریکا و انگلستان رونق گرفت. در ادامه همین حرکت‌ها برخی نیز مدعی شدند که منظور از بازگشت به خویش، بازگشت به اسلام است. البته پیش از آن اسلام مورد انتقاد قرار گرفته بود و مسلمانان را به‌عنوان افرادی امل می‌شناختند. در این دهه اما اعتمادبه‌نفسی برای دینداران و همین‌طور طبقه روحانیت حاصل شد. برای نمونه شریعتی با وجود نقدهایی که به روحانیت داشت، هنگام نقد غرب و آموزش و پرورش غربی، از بازگشت به اسلام و حوزه‌های علمیه دفاع می‌کرد. در این دوره حتی روشنفکران چپ نظیر آل احمد هم مدافع اسلام شدند.

انقلاب تمیز ۱۳۵۷

با این مقدمات و پس از وقوع انقلاب ۵۷ که رنگ مذهبی و معنوی به خود گرفته بود، رهبرش هم جنبه دینی و عرفانی قوی داشت و در تلویزیون تفسیر عرفانی از سوره حمد تقریر می‌کرد، بسیاری از روشنفکران غیرمارکسیست و غیرسیاسی به‌دلیل همین جنبه‌های فرهنگی، معنوی و اخلاقی به انقلاب روی می‌آوردند. این قبل از حرکتی است که در سال ۱۳۵۸ شروع می‌شود؛ اعم از اعدام‌ها، مصادراتی‌ها و شروع خشونت‌ها. انقلاب ۵۷ چیزی که اینک راجع بدان می‌گویند، نبود. در انقلاب ۵۷ چندان خشونت رواج نداشت و چیز نسبتاً تمیزی بود. خاطرم هست که با اسلام‌شناسی در سال

۱۳۵۷ صبحت می‌کردم و او امام خمینی را به «فیلسوف‌شاه» افلاطون تشبیه می‌کرد. چهره امام در این زمینه به‌عنوان حکیمی متاله در نظر آورده می‌شد. اینها اما قبل از شروع خشونت‌ها بود. بنابراین انقلاب فرهنگی تا قبل از سال ۱۳۵۸ چیز دیگری بود. بعد از ۱۳۵۸، اما سیاست خشونت‌بار و برداشتی خاص و ظاهرپینانه از اسلام بر فرهنگ غلبه کرد. اینک برخی انتقاد می‌کنند که چرا نسل‌های گذشته انقلاب را می‌شنوم، تعجب می‌کنم که چرا ما پس از شنیدن آن حرف‌ها، جور دیگری فکر می‌کردیم که امروز نمی‌کنیم. آن جوری که شد، آن چیزی نبود که آن موقع داشت اتفاق می‌افتاد. حال ما جور دیگری بود. وقتی می‌گفتم دل‌مان می‌خواهد همه چیز اسلامی شود، اسلام خشن مدنظر مان نبود. به اسلام به‌عنوان دینی رحمانی که می‌تواند مشکلات جهان خشونت‌آمیز کنونی را حل کند، نگاه می‌شد. هم در جهان و هم در ایران، مردم به دین پناه آورده بودند.

اسلام مکی، اسلام مدنی

درباره این دو برداشت از اسلام اما باید گفت برخی دو مرحله برای صدر اسلام قائل می‌شوند (پیامبر در مکه و پیامبر در مدینه) و می‌گویند، اسلام در اصل آن چیزی بود که در مکه رخ داد و در آن خبری از جنگ و خشونت نبود. از این نظر منظور از «جهاد» نیز، «جهاد اکبر» است یا همان مجاهده با نفس، توجه به خداوند، باطن و خودسازی. در مدینه اما جنبه سیاسی اسلام آشکار می‌شود و این دین وارد صحنه دیگری می‌شود. طبق این دو برداشت اسلامی هست که جنبه اخلاقی، باطنی، معنوی دارد و برای تقرب انسان به خداوند آمده است. اسلامی دیگر نیز هست که قرار است قدرت و سیاست را در دست بگیرد، جامعه را اصلاح کند و به جای جنگ درونی با کفر و بدی درون، به جنگ بیرونی با همان «جهاد اصغر» دست بزند.

در قرن بیستم برخی چون سیدقطب مدعی شدند، اسلام همان برداشت دوم یا اسلام مدنی است، بنابراین باید با غرب و کفار جنگید. عده‌ای دیگر چون محمود طه در سودان معتقد بودند، اسلام آمده تا هرکسی با اهریمن درونش بجنگد، خود را اصلاح کند و از درون به خدا نزدیک شود. آن اسلامی که در دهه‌های ۱۳۴۰ و ۱۳۵۰ مورد توجه قرار گرفته بود، همان اسلام مکی بود که در آن هرکسی مسئول اعمال خودش است و باید دست به مجاهده درونی بزند. من آن حرف امام خمینی را که می‌گفت، ما فقط آب و برق مجانی برای شما فراهم نمی‌کنیم، بلکه می‌خواهیم شما را به مقام معنویت برسانیم، حرف بسیار مهمی می‌دانم و انقلاب از این جنس بود. گفته